

آن را در شهر کرمان آن هم خطاب به شاعری توانمند همچون ادیب‌الممالک فراهانی به رشته تحریر درآورده‌است.

درباره شیوه نگارش در دوره قاجار باید یادآور شد که برخی از بزرگان، صاحب منصبان و منشیان عهد قاجار را می‌توان از پیشروان تحول بنیادین در شیوه و سبک نگارش قلمداد نمود، که توانستند بساط نثر پرتکلف، غامض و مسجع دوران پیشین را برچینند و به سادگی و روانی آن کمک شایانی نمایند. از میان آن بزرگان نام‌هایی چون میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) و نشاط اصفهانی بیشتر مورد توجه اهل ادب بوده‌اند.

مرحوم امیرنظام علاوه بر سبک نگارش منحصر به فرد، در حسن خط، به ویژه در کتابت خط تحریری شکسته نستعلیق، نیز دارای سبکی خاص بوده‌است. او در منشآت خود ضمن پیروی از سادگی و روانی شیوه نگارش قائم‌مقام فراهانی توانسته‌است با بینش و تسلط ادبی گسترده و قوت قلمی که داشته به سبکی مستقل و منحصر به خود دست یابد و نام‌هایی به زیبایی هرچه تمام‌تر به رشته تحریر درآورد که بی‌شک از بهترین نمونه‌های نثر فارسی در دوره خود به حساب می‌آیند^۳ و گرچه خوشبختانه بخش قابل توجهی از آنها تحت عنوان‌های منشآت امیرنظام گروسی^۴، گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی (شامل صد و چهل و شش نامه و سندی که حسنعلی خان گروسی درباره وقایع کردستان به سال ۱۲۹۷ در دفع فتنه‌ها و تجاوزات شیخ عبیدالله گرد و حمزه آقای منگور (۱۲۹۷-۱۲۹۸ق) در منطقه ساوجبلاغ، میان‌دوآب و ارومیه به دربار ارسال کرده‌است)^۵ و امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان (شامل ۳۰ نامه و گزارش)^۶ منتشر شده‌است، اما هنوز و به‌ندرت در مجموعه‌های گوناگون به نام‌های منتشر نشده و به‌یادگارمانده‌ای از او برمی‌خوریم که همچون گنجی ارزشمند روشنگر مطالب گوناگون تاریخی و ادبی قابل توجهی هستند. درباره شیوه نگارش و جایگاه خط و ربط امیرنظام همین بس که ادیب‌الممالک فراهانی، شاعر نامدار، که به‌جهت نزدیکی به امیرنظام تخلص خود را از

۳. قیداری، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۹.

۴. محمدی، ۱۳۸۵.

۵. افشار، ۱۳۷۳.

۶. سهیلی خوانساری، ۱۳۵۷.

برگی از تاریخ (۱)

معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام)
به ادیب‌الممالک فراهانی

محمدجواد جدی

پژوهشگر و نویسنده حوزه مهرشناسی و خوشنویسی
mj_jeddi@yahoo.com

مقدمه

نامه‌ای که اینک به معرفی آن می‌پردازم نامه‌ای است نویافته از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) به محمدصادق ادیب‌الممالک فراهانی. این نامه که اینک در یک مجموعه خصوصی نگهداری می‌شود و تصویری از آن توسط مهندس علی یوسفلویی در اختیار نگارنده قرار گرفته‌است، دارای قطعه‌بندی و تذهیب مناسبی است و خوشبختانه شاید به همین علت از گزند روزگار در امان مانده‌است و از آنجایی که در قسمت زیرین مقوای صورتی‌رنگ این قطعه ادیب‌الممالک متذکر شده‌است که «کاغذی است که مرحوم امیرنظام از کرمان ببنده نوشته‌بود» می‌توان اطمینان داشت این قطعه‌بندی در زمان ادیب‌الممالک انجام گرفته، که این خود گواه اهمیت نامه نزد ادیب‌الممالک است.

این نامه، به‌جز نکات جالب و ارزش ادیبی، روایت‌گر بخشی از تاریخ این سرزمین است و سند روابط خوب و صمیمی این دو شخصیت ادبی و سیاسی با یکدیگر تلقی می‌شود و بی‌شک یکی از آخرین نامه‌های امیرنظام در زمان اقامت در کرمان به حساب می‌آید؛ چرا که اگر بنا بر نوشته برخی منابع فوت او در ۲۸ جمادی‌الآخر ۱۳۱۷ق بوده باشد^۱، تنها ۲۰ روز و چنانچه براساس نوشته برخی منابع دیگر پنجم رمضان همان سال بوده باشد^۲ کمتر از سه ماه پیش از وفاتش

۱. محمدی، ۱۳۸۵: ۵.

۲. احمدی کرمانی و باستانی پاریزی، ۱۳۸۶: ۱۶۵.



تصویر ۲. ادیب الممالک فراهانی

«پروانه» به «امیری» تغییر داده است، درباره او سروده:

مگر خامهات بر ورق مشک ریزد
ببندند عنبر فروشان دکانها

نامه موضوع سخن دارای نکات جالبی است. امیرنظام در این نامه سر بسته به مشکلات سال آخر حکومتش در آذربایجان و شهر تبریز اشاره دارد و از ادیب الممالک می خواهد آن نابسامانی ها را، که همانا رویداد گرانی نان و قحطی سال ۱۳۱۶ ق است و منجر به نهضتی عظیم در آن دیار گردید، به نظم در آورد. امیرنظام حتی پیش پرداخت حق الزحمه این سفارش را به مبلغ بیست تومان به ادیب می پردازد، و جالب تر آنکه با وجود فاصله اندک (به روایتی سه ماه یا حتی بیست روز) تا فوت امیرنظام، و با توجه به زمان لازم برای رسیدن نامه از کرمان به تبریز و بالعکس و سرودن قصیده ای مفصل (۱۵۶ بیت) توسط ادیب الممالک، این سفارش به شایستگی انجام پذیرفته است؛ هر چند مشاهده آن توسط امیرنظام قدری بعید یا به سختی قابل تصور است.

متن نامه

جناب معارف نصاب مخدوم مکرما
از مراسله شما رایحه محبت ساطع بود و نور مودت رایج، حقاً
که از خاندان کریم و نژاد پاک و سرشته از صدق و صفا و مهر
و وفا هستید، «همچنین می رو که زیبا می روی»^۱. از صدمه ای
که بدست شما رسیده متأسف شدم، از پای افتادن و از دست
رفتن کار صاحب دلان و خط صاحب نظران است.

یار آمد و گفت خسته میدار دلت
دائم به امید بسته میدار دلت
ما را بشکستگان نظرها باشد
ما را خواهی شکسته میدار دلت^۲

شکر خدا که بخیر گذشته و التیام یافته. اگر رقیمه دیگر رسیده و
جواب ننوشته ام «ای شیخ پاک دامن معذور دار ما را»^۳ که هزار
نوع گرفتاری داشتیم و از جمله آنها مسافرت از طهران به کرمان

۱. سعلی، ۱۳۸۵: ۶۰.

۲. ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۹: ۴۰.

۳. حافظ، ۱۳۷۶: ۲۲/۱.



تصویر ۱. حسنعلی خان گروسی (امیرنظام)

درباره آنها سخن گفته و به معرفی آنها پرداخته‌ایم (رک. جدی، ۱۳۹۲: ۴۴۰).

۲. نقش مهر ادیب‌الممالک که اینک برای بار نخست معرفی می‌شود: به شکل بیضی به دو خط نسخ حروفچینی شده و نیز خط لاتین با متن «صادق‌الحسینی ادیب‌الممالک» (تصویر ۴).



تصویر ۴. نقش مهر صادق‌الحسینی ادیب‌الممالک



تصویر ۳. نقش مهر امیرنظام (حسنعلی‌گروسی)

منابع

- ابوسعید ابوالخیر (۱۳۶۹). دیوان. به کوشش محمد عالمگیر تهرانی. تهران: نشر محمد.
- احمدی کرمانی، یحیی و محمدابراهیم باستانی پاریزی (۱۳۸۶). فرماندهان کرمان. تهران: نشر علم.
- افشار، ایرج (۱۳۷۳). گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- امیری فراهانی، میرزا محمدصادق (۱۳۷۸). دیوان کامل ادیب‌الممالک فراهانی. به تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی. بی‌جا: انتشارات فردوس.
- جدی، محمدجواد (۱۳۹۲). دانشنامه مهر و حکاکی در ایران. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی- دایرةالمعارف انسان‌شناسی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۶). دیوان. تدوین و تصحیح رشیدعیوضی. تهران: صدوق.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). غزل‌های سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: سخن.
- قیداری، زهرا (۱۳۹۰). «تعامل تاریخ و ادبیات در منشآت امیرنظام». رشد آموزش تاریخ، دوره ۱۲، ش ۳: ص ۱۴-۱۹.
- سهیلی خوانساری، احمد (۱۳۵۷). امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان. تهران: کتابخانه اقبال.
- محمدی، علی (۱۳۸۵). منشآت امیرنظام گروسی. تهران: انتشارات سیب سبز.

بود که مجملی از آن را بنظم درآورده نسخه‌ای از آن لفاً فرستادم. و هکذا در اثنای راه و طی مسافت آن چند شعری را که در تبریز از علت مزاجم سرودم و آنجناب تکمیل فرمودید متذکر شدم، هلم جزاً. چندبیت دیگر بخاطر مرسیده ضمیمه کردم و از آن نیز نسخه‌ای لفاً ملاحظه و معلوم خواهید فرمود که آن مخدوم را فراموش نکرده‌ام.^۱ اگر تزکیه نفس نباشد قدر مرا در آنجا بیشتر خواهند دانست و شکر خدا که از آن قید نجات یافتم. خواهش نموده‌اید که شما را به انشاء قصیده‌ای که متضمن مطلب مخصوصی باشد دعوت نمایم. اگر طبعتان اقبال نماید دلتنگی و ملالت مرا از وضع حوادث غیر مترقبه مسمومه ناگوار آذربایجان و ترک و نهضت فوری از آنجا و تشریف به زیارت مشهد مقدس از راه عشق‌آباد و مراجعت از آنجا به طهران از راه نیشابور و افتخار به مراجع شاهانه و تفویض ایالت کرمان و مقاساة شداید ایام مسافرت تا به کرمان و موفق شدن به رفع بدعتها و موقوفی تعدیات سابقه جاریه را از این مملکت به آن طبع و قادی که دارید به نظم آورده بفرستید^۲ تا صله آن را از امتعه کرمان تقدیم نمایم. عجلتاً برات بیست تومان به جهت تخفیف مخارج لفاً فرستاده شد. عفو نمایید. والسلام علیکم ۷ جمادی الاخر ۱۳۱۷.

پشت نامه

پشت این نامه هم اهمیت ویژه‌ای دارد و نقش مهرهای این دو شخصیت سیاسی و فرهنگی بر آن موجود است:

۱. نقش مهر حسنعلی‌خان گروسی به شکل بیضی و خط نستعلیق و تاریخ ۱۳۰۲ق با متن امیرنظام (تصویر ۳). لازم است یادآوری شود که امیرنظام مهرهای متعددی داشته است و ما پیشتر در دانشنامه مهر و حکاکی در ایران

۱. بخشی از این ابیات امیرنظام چنین است:

سی سال فزون شد که علیل است مزاجم گشتند طیبیان همه عاجز ز علاج
چون نیست مرا هیچ توانایی و قدرت مانند دهی ویران خارج ز خراج
طاووس نیم تا فکندم ز بی پر هم فیل نیم تا بکشند از بی عاجم
وین چامه اگر باد به تبریز رساند «استاد امیرالشعرا» آرد باجم

۲. یکی از رویدادهای مهمی که در زمان حکومت امیرنظام در تبریز به وقوع پیوست گرانی نان و قحطی در سال ۱۳۱۶ق بود که منجر به انقلابی عظیم در آن دیار گردید و در اثر آن بسیاری از خانه‌ها و دکان‌ها به غارت رفت. ولی با حسن تدبیر و رشادت امیرنظام آشوب و فتنه خاموش گردید و اوضاع به روال عادی بازگشت ادیب‌الممالک فراهانی که در آن هنگام در تبریز به سر می‌برد این رویداد را در قصیده مفصل و غرایبی منظوم ساخته و در آن امیرنظام را به مناسبت فرو نشاندن آتش آشوب ستوده است. این قصیده شامل ۱۵۶ بیت است که در دیوان ادیب‌الممالک به طبع رسیده است (رک. امیری فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۵۶-۱۶۸).

